

ارتباط ریاضیات و شعر در گفت و گو با مجید امیری

جوهره شعر و ریاضیات

اشاره

چندی پیش کتابی به دستمان رسید با عنوان «خط خیال» که مجموعه‌ای است از شعرهای یک معلم دردمند ریاضی از «زرقان» شیراز. مجید امیری متولد ۱۳۵۸ و دانش‌آموخته رشته ریاضی و معلم این رشته است. ولی در عین حال شخصیتی به غایت لطیف دارد و این لطافت طبع او را به سمت شعر و شاعری کشانده است. جالب اینجاست که شعرهای او یک تم غالب ریاضی دارند و البته سرشارند از لطافت، ایهام و کنایه‌هایی به زبان ریاضی. از جمله این شعر که مسمای کتاب ایشان هم از آن است:

چون نقطه، ما ز صفحه عالم بریده‌ایم

در امتداد «خط خیال» آرمیده‌ایم

این منحنی قامت ما را مبرز یاد

در مختصات چشم تو آن را کشیده‌ایم!

با دیدن این مجموعه، شوق بسیاری به دیدن این عزیز پیدا کردیم و سفر به شیراز و بهانه شرکت در «چهاردهمین کنفرانس آموزش ریاضی ایران» فرصتی مغتنم برایمان فراهم کرد تا دیداری و گفت‌وگویی نه‌چندان کوتاه با ایشان داشته باشیم. در این دیدار آقایان هوشنگ شرقی (مدیر داخلی مجله) و عنایت‌الله راستی‌زاده (از دبیران خوش‌نام ریاضی شیراز و از همکاران قدیمی مجله) شرکت داشتند. حاصل آنچه را که با ایشان گفتیم و شنیدیم، در پی می‌خوانید.

شرقی: امروز دوشنبه پانزدهم شهریور ۱۳۹۵، در خدمت آقای مجید امیری، از دبیران ریاضی استان فارس و نگارنده دیوان شعر خط خیال هستیم. شعرهای کتاب ایشان ریاضیات به زبان شعر یا شعر به زبان ریاضی! است.

آقای امیری، همان‌طور که خودتان هم در مقدمه کتابتان اشاره کرده‌اید، **هانری پوانکاره**، فیلسوف و ریاضی‌دان فرانسوی (یا به قولی و ایراشتراوس) می‌گوید: «ریاضی‌دان کامل باید تا حدی هم شاعر باشد.» در مقابل، پروفیسور **هشترودی**، ریاضی‌دان معاصر کشور خودمان می‌گوید: «هر شاعری باید ریاضی‌دان باشد.» نظر شما درباره این جملات چیست؟ با کدام موافقت می‌کنید؟

● **امیری:** بنده ابتدا تشکر می‌کنم که این فرصت را به وجود آوردید تا درباره شعر و ریاضیات صحبت کنیم. در جواب باید بگویم، این به تعریف شما از شعر و ریاضیات برمی‌گردد. در مورد تعریف شعر، خوب حرف‌های زیادی گفته‌اند. مثلاً **ولتر** می‌گوید: «شعر موسیقی روح حساس است» و به این ترتیب دامنه تعریف شعر بسیار گسترده می‌شود. اما اگر ریاضیات را به‌عنوان یک دانش در نظر بگیریم، تعریف خاص خودش را دارد.

در هر صورت، اگر جوهره شعر و ریاضیات را بنگریم، اشتراک و هموندی بسیار می‌بینیم. چون با وجود تفاوت ظاهری آن‌ها، در هر دو جوهر تفکر و تخیل وجود دارد. به‌نظر من این دو جمله که «ریاضی‌دان باید تا حدی شاعر باشد» و یا «شاعر باید تا اندازه‌ای ریاضی‌دان باشد»، تفاوت چندانی ندارند. اگر بخواهیم به زبان ریاضی بیان کنیم، مثل دو مجموعه A و B که اشتراکی دارند، این دو جمله هم اشتراک مفهوم دارند. بله ممکن است بعضی ریاضی‌دان‌ها شاعر نباشند و یا بعضی شاعران با ریاضی قرابتی نداشته باشند، ولی ایده‌آل جایی است که این دو اشتراک پیدا می‌کنند و اوج ریاضی‌دان بودن و اوج شاعر بودن همین اشتراک است. به‌علاوه، نه‌تنها ریاضیات که همه علوم، مثل فلسفه، علوم اجتماعی و... ریشه در معرفت دارند که شاعری هم با آن سروکار دارد.

شرقی: زنده‌یاد دکتر شرف‌الدین که اخیراً از

دنیا رفتند و از همکاران مجله ما و استاد دانشگاه هرمزگان بودند، کتابی دارند به نام «ریاضی دلایز در ادب گهرریز». ایشان در این کتاب، حتی ریاضیات را به عنوان پیش نیاز شاعری معرفی می کند و برای مثال، با استفاده از الگوهای ریاضی و منطقی، نشان می دهد که شعر معروف سعدی، شاعر بزرگ شیراز، که به صورت:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

معروف شده است، باید به این صورت بوده باشد:

«بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند»

یعنی از ریاضیات برای تکمیل شعر استفاده می کند و عقیده دارد، ریاضیات ابزار مناسبی برای شاعر است تا هندسه شعر خود را تکمیل کند. اگر نظری در این مورد دارید بفرمایید.

● **امیری:** نکته بسیار دقیق و جالبی را بیان کردید. این موضوع به خصلتی که ریاضیات دارد، برمی گردد و آن «خصلت زبانی» است. یعنی ریاضیات که از یک زاویه، علم محسوب می شود، از زاویه ای دیگر، زبان است؛ زبانی صمیمی. این صمیمیت به ماهیت ریاضیات برمی گردد که یکی از بی آلیش ترین دستاوردهای ذهن بشر است و همه انسان ها به نوعی این موضوع را تجربه کرده اند. ریاضیات عین صداقت است و هیچ دروغ و خلاف منطقی را نمی توانید در آن ببینید. هرچه که خلاف منطق باشد، فوراً خودش را در این محیط نشان می دهد. این زبان منطقی و صمیمی می تواند در خدمت همه علوم و از جمله شاعری قرار بگیرد. شعر را غنا ببخشد و به منطقی کردن «وجه شبه» که اساس هندسه شعر است، کمک کند.

📌 **شرقی:** خیلی از ریاضی دانان، از گذشته تا امروز با شعر و شاعری ارتباط داشته اند. مثلاً از گذشتگان، پروفیسور هشتروندی دیوان شعر «سایه ها» را داشت یا حسین غیور شعر می گفت. از اعضای هیئت تحریریه مجله خود ما هم آقای یاسی پور اهل شعر است و شعرهای زیادی سروده. آقای دکتر ایردموسی هم مجموعه شعر دارد. آیا به نظر شما این موضوع تصادفی است؟

● **امیری:** خیر، به نظر من اصلاً تصادفی نیست و حتماً ارتباطی است بین ریاضی دان بودن و شاعر بودن. زمانی ما این ارتباط را بهتر می فهمیم که لازمه



ریاضیات که
از یک زاویه،
علم محسوب
می شود،
از زاویه ای دیگر،
زبان است؛
زبانی صمیمی.
این صمیمیت
به ماهیت ریاضیات
برمی گردد
که یکی از
بی آلیش ترین
دستاوردهای
ذهن بشر
است

شاعری را بدانیم. لازمه شاعری تعهد است و اینکه شاعر متعهد به فهم و شناخت مسائل اطراف خود باشد. اما ریاضی دان این کار را ضمن تحقیق و تتبع در مسائل مختلف بارها و بارها تمرین می کند.

نکته دیگر در شاعری احساس است. ریاضیات با وجود آنکه به ظاهر به نظر می رسد با احساس ارتباطی نداشته باشد، ولی به واقع چنین نیست. خیلی وقت ها در حل مسائل ریاضی درگیری احساسی به وجود می آید.

📌 **شرقی:** آیا منطق جدی ریاضیات با لطافت شعر تناقض ندارد؟

● **امیری:** به نظر من تناقض وجود ندارد و اتفاقاً کاملاً هم سو هستند. شاعرانه ترین مفاهیم را می توان در میان متون ریاضی پیدا کرد. بنده قبل از آنکه به شاعری بپردازم، شاعرانه ترین جملات را در میان متون ریاضی دیدم: «این دنباله چیست که به این عدد می گراید!» من لطیف ترین احساس ها را در برخورد با این متون تجربه کرده ام.



در ریاضیات، دقت حرف اول را می‌زند و تمثیل، ایهام و کنایه هیچ مزیتی را به ما نمی‌بخشد. ولی ریاضیات می‌تواند کمک کند که تمثیل شاعر و مقایسه‌ای که می‌کند، قالبی منطقی بگیرد



● امیری: بله.

■ شرقی: کدام دبیرستان بودید؟
● امیری: دبیرستان توحید شیراز که یکی از بهترین دبیرستان‌های شیراز بود. ما اتفاقاً در همان دوران به مجلهٔ برهان هم توجه خاصی داشتیم و مقالات خود شما و زنده‌یاد پرویز شهبازی و دوستان دیگر را دنبال می‌کردیم.

■ شرقی: شعر را به‌طور جدی از کی شروع کردید؟
● امیری: من در دانشگاه تربیت معلم که بودم، شاعری را به‌طور جدی آغاز کردم. البته قبل از آن روح شاعرانه داشتیم، اما در دورهٔ دانشجویی به‌طور رسمی اشعارم را جمع‌آوری کردم. بعد هم که در دانشگاه شیراز ادامهٔ تحصیل دادم (در رشتهٔ ریاضی)، به شاعری ادامه دادم.

■ شرقی: طبع لطیفتان را از کجا آوردید؟!

● امیری: خب پدرم دبیر ادبیات بودند و این بی‌تأثیر نبود. اما به‌هر حال خودم روحیه‌ای خاص داشتیم، به طبیعت علاقه‌مند بودم و ...

■ راستی‌زاده: آیا شخص خاصی وجود داشته است روی شما تأثیر خاصی گذاشته و مسیر شما را تحت تأثیر خودش قرا داده باشد؟

● امیری: البته افراد زیادی در برهه‌های متفاوت و مراحل سنی گوناگون روی من تأثیر گذار بوده‌اند. اما اگر بخواهم اسم ببرم، باید از دبیر ادبیاتمان در دبیرستان، آقای کاظم شیعی نام ببرم که از دبیران خوش‌نام ادبیات استان فارس بودند. ایشان خود شاعر بودند و تأثیر مثبتی در گرایش من به شاعری داشتند. دیگر باید از خود متون ریاضی یاد کنم که به‌نظر من بسیار با احساس هستند.

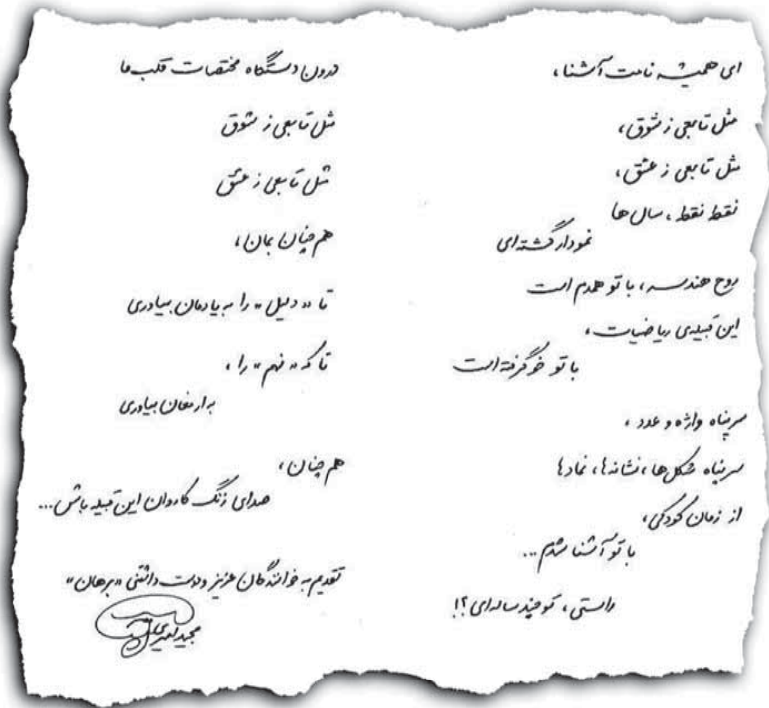
■ شرقی: زبان شعر، زبان تمثیل است و ما ایرانیان در تمثیل و ضرب‌المثل آوردن شهره‌ایم! سخنورانمان در هر جمله‌ای که می‌گویند، پی‌درپی از شعر برای اثبات کلامشان استفاده می‌کنند. حتی پدربزرگ‌ها برای نصیحت نوه‌هایشان از شعر کمک می‌گیرند. اما زبان ریاضیات منطقی محض است و در استدلال، تمثیل به‌هیچ‌عنوان جایز نیست و چیزی را ثابت نمی‌کند. آیا این موضوع ما را دچار تناقض نمی‌کند؟

● امیری: البته در ریاضیات دقت حرف اول را می‌زند و تمثیل، ایهام و کنایه هیچ مزیتی را به ما نمی‌بخشد. ولی ریاضیات می‌تواند کمک کند که تمثیل شاعر و مقایسه‌ای که می‌کند، قالبی منطقی بگیرد. البته ریاضیات و شاعری کاملاً با هم انطباق ندارند و تفاوت‌های ماهوی هم دارند. در ریاضیات از تمثیل فقط برای فهم و درک بهتر مسئله می‌توان استفاده کرد و نمی‌توان برای استدلال دقیق از آن بهره گرفت.

■ شرقی: شما اول شاعر بودید بعد به ریاضیات پیوستید، یا برعکس، اول اهل ریاضیات بودید و بعد به شعر و شاعری روی آوردید؟

● امیری: شاید این هم‌زمان اتفاق افتاد. من ریاضی‌دان که نیستم، ولی به ریاضیات علاقه داشتم. اما به‌هر حال در جست‌وجوی معرفت بودم و در مسیر معرفت پرسش‌هایی پیش می‌آید و این پرسش‌ها ساختار ذهنی انسان را منظم می‌کند. از طرف دیگر، نوعی هم ساختارگریزی به‌وجود می‌آورد که برای گریز از این وضع به شعر و ادبیات پناه می‌برد.

■ شرقی: پس از همان دوران دبیرستان به ریاضیات علاقه‌مند بودید و به شعر هم گریز می‌زدید؟!



راستی زاده: شما به عنوان یک شخص علاقه‌مند به ریاضی، حتماً مثل من و خیلی‌ها این را تجربه کرده‌اید که وقتی انسان یک مسئله ریاضی را حل می‌کند، و بعد از مدت‌ها کلنجار رفتن، کلید آن را می‌یابد، لذت خاصی را تجربه می‌کند. اما شاعری هم لذت خاصی دارد. وقتی موضوعی در ذهنتان جرقه می‌زند و می‌خواهید آن را به شعر درآورید، مدت‌ها فکر می‌کنید و شاید آن جمله و آهنگ و نظم را نیابید، اما یکبار به آن می‌رسید. خب این هم لذت خاصی دارد. شما می‌توانید این دو لذت را با هم مقایسه کنید؛ با توجه به اینکه هر دو را تجربه کرده‌اید!

امیری: این دو موقعیت را می‌توانید به عنوان یک مسئله تلقی کنید. در واقع یک چیز هستند و هر دو یک آشفتگی درونی را سامان می‌دهند. وقتی ریاضی‌دان با یک مسئله مواجه است یا یک شاعر با یک شعر نسروده روبه‌رو می‌شود، و بعد مسئله حل و یا شعر سروده می‌شود، در واقع به یک سرانجام ختم می‌شوند و آن لذت ناشی از حل مسئله است.

شرقی: آن طور که از نوشته‌هایتان برمی‌آید، باید اهل مطالعه هم باشید. همین طور است؟

امیری: بله من سعی می‌کنم هر روز حداقل ۲-۳ ساعت مطالعه داشته باشم.

شرقی: بیشتر چه چیزهایی می‌خوانید؟

امیری: الان بیشتر مطالب مرتبط با جامعه‌شناسی را می‌خوانم، ولی به رمان و داستان هم خیلی علاقه دارم.

شرقی: چه کتابی را می‌توانید همین الان برای مطالعه به دانش‌آموزان توصیه کنید؟

امیری: مثلاً کتاب «آرزوهای بزرگ» اثر ماندگار چارلز دیکنز و کتاب «کیمیاگر» اثر پائولو کوئیلو و کتاب «شازده کوچولو» که آن هم اثر بسیار زیبایی است و خواندن آن را به همه نوجوانان توصیه می‌کنم.

شرقی: میانه‌تان با طنز چطور است؟

امیری: اگر طنز جدی و آمیخته با تعهد باشد، از آن استفاده می‌کنم.

شرقی: با فیلم و سینما چطور؟

امیری: کمتر و ترجیح می‌دهم بیشتر وقتم را به مطالعه داستان بگذرانم. با این حال هفته‌ای، ماهی یک‌بار یک فیلم می‌بینم.

شرقی: می‌توانید به یکی از آن‌ها اشاره کنید؟

امیری: بله مثلاً فیلم «ذهن زیبا» برایم خیلی جالب

بود. سرگذشت ریاضی‌دانی است که به مدد ریاضیات و تفکر منطقی مشکل خود را می‌شناسد و بر آن غلبه می‌کند. شخصیت **جان نش** و بازیگر نقش او، **راسل کرو**، برایم خیلی جالب بود.

شرقی: کدام شعرتان را از میان آن‌ها که سروده‌اید، بیشتر دوست دارید؟ آن را به عنوان حسن ختام بخوانید.

امیری: آخرین شعر همین مجموعه، با عنوان

«زیر گنبد کبود»:

یکی بود یکی نبود،

زیر گنبد کبود

پای به «خط عمود»

هزار هزار تا نقطه بود

یکیشون قصه می‌گفت

واسه نقطه‌ها و خط‌های دیگه

حرف می‌زد انگاری اون

از یه دنیای دیگه!

قصه «ماه پیشونی»، «شاه پریون» نه!

قصه خوابی که اون شب دیده بود

توی اون خواب خودشو، ...

«زوج مرتب» دیده بود!

...

شرقی: سپاس فراوان از وقتی که به ما و خوانندگان

مجله دادید.

امیری: من هم از شما سپاس گزارم.